

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

تاریک سیریل آمار\*  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: عثمان حیدری  
۱۹ مارچ ۲۰۲۵

## چرا ترمپ بالاخره بساط تبلیغات دولتی پنهان را جمع کرد؟



قطع بودجه «صدای آمریکا»، «رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی و رادیو فردا» و امثال آن ترمپ را به «آدم خوبه» تبدیل نمی‌کند، اما گامی در مسیر درست است.

\*\*\*\*\*

او باز هم این کار را کرد. یا بهتر بگوئیم، آن‌ها این کار را کردند. در ادامه کمپین عجیب و غریب «زمین سوخته» برای برچیدن بخش‌های گسترده‌ای از دولت آمریکا—به هر قیمتی که باشد—دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور، و رفیق گرمابه و گلستانش، ایلان ماسک، به همراه دار و دسته مجریانش در DOGE، هفت اژانس دولتی دیگر را حذف کردند. این اقدام که با دستور اجرائی ریاست‌جمهوری انجام شد، دفاتر متعددی را هدف قرار داد که وظایف متنوعی مانند میانجی‌گری در مناقشات کارگری و کاهش بی‌خانمانی را بر عهده داشتند.

روش حمله ترمپ‌گرایان ساده و آشناست: اژانس‌های هدف مستقیماً تعطیل نمی‌شوند، چرا که ترمپ به‌صورت قانونی نمی‌تواند چنین کاری را با فرمان اجرائی انجام دهد. در عوض، بودجه و نیروی انسانی آن‌ها چنان کاهش می‌یابد که ادامه فعالیت برایشان غیرممکن می‌شود.

اما جالب اینجاست که فقط یک نوع از این کاهش بودجه واقعاً باعث خشم میانروها، لیبرال‌ها و رسانه‌های جریان اصلی شد. نه، مسأله قطع بودجه برنامه‌های مربوط به بی‌خانمان‌ها نبود و نه موضوع روابط کارگری. چیزی که جنجال به پا کرد، حمله ترمپ و ماسک به تبلیغات دولتی بود—دقیق‌تر بگوئیم، تبلیغات دولتی برای بقیه جهان. یکی از دفاتری که این بار تحت تیغ ترمپ قرار گرفت، «آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده» (USAGM) است که در واقع همان وزارتخانه تبلیغات آمریکا برای خارج از کشور محسوب می‌شود.

اگرچه این عنوان نسبتاً جدید است (۲۰۱۸)، اما ریشه‌های USAGM به دوران جنگ سرد قرن گذشته بازمی‌گردد. در ابتداء، «صدای آمریکا»، «رادیو اروپای آزاد» و «رادیو آزادی» وجود داشتند. «صدای آمریکا» در جریان جنگ جهانی دوم تأسیس شد و بلافاصله پس از آن به‌عنوان ابزاری تبلیغاتی در جنگ سرد مورد استفاده‌ی سیا قرار گرفت. نسخه‌های جوان‌تر آن، یعنی «رادیو اروپای آزاد» (تأسیس ۱۹۵۰) و «رادیو آزادی» (۱۹۵۱)، در واقع پوششی برای فعالیت‌های سیا بودند.

اما این ارتباط تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مخفی نگه داشته شد تا از واکنش شوروی جلوگیری شود. البته، خلاف آنچه دائرةالمعارف بریتانیکا با لحنی متین و البته انبوهی از اطلاعات نادرست القا می‌کند، پنهان‌کاری سیا به این دلیل نبود که روس‌های بدذات (شوروی آن زمان) خیلی ترسناک بودند. بلکه این کار صرفاً روشی برای دستکاری افکار عمومی در شرق و غرب بود تا تبلیغات ژئوپلیتیکی به‌عنوان «اخبار مستقل» جلوه داده شوند.

پس از سال ۱۹۷۱، سیا (ظاهراً) کنترل مستقیم خود را کنار گذاشت. اما اگر فکر می‌کنید این به معنای پایان نفوذ سازمانی است که تخصص آن دروغ‌پردازی—فرا تر از آن—است، باید به شما یک «دموکراسی» اوکراینی کامل با «جامعه مدنی» و تمام ملحقانش بفروشم!

به‌صورت رسمی، «هیأت پخش بین‌المللی» (Board for International Broadcasting) جایگزین سیا شد. این هیأت مستقیماً توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود—همین برای درک اهمیت این ماشین تبلیغاتی جهانی برای واشنگتن کافی است.

در نهایت، پس از تغییرات اسمی متعدد، این هیأت به USAGM تبدیل شد و کنترل نه‌تنها «صدای آمریکا» و «رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی» (که با هم ادغام شده بودند)، بلکه مجموعه‌ای از رسانه‌های دیگر، از جمله «رادیو آزاد آسیا» و «دفتر پخش برنامه‌های کوبا» (که نامش به طرز جالبی غیرصادقانه به نظر می‌رسد) و رادیو فردا را به دست گرفت.

بر اساس وب‌سایت رسمی USAGM، این سازمان هر هفته ۴۲۷ میلیون مخاطب در ۶۴ زبان را از طریق رسانه‌های سنتی و اینترنتی تحت پوشش قرار می‌داد. این افراد خوش‌شانس، هر هفته بیش از ۳۰۰۰ ساعت برنامه اورجینال دریافت می‌کردند که کاملاً مطابق با «منافع ملی آمریکا» (طبق تعریف خود USAGM) تنظیم شده بود. هرچه که درباره این وزارتخانه تبلیغات خارجی آمریکا بگوئید، دست‌کم از نظر اندازه و بودجه، بسیار فراتر از هر چیزی بود که شوروی بیچاره در دوران جنگ سرد موفق به راه‌اندازی آن شد.

و حالا، ترمپ و ماسک همین سازمان را از بین برده‌اند. جنگ سرد مدت‌هاست که تمام شده، و واکنش منطقی به این اقدام دیر هنگام باید این باشد که: «چرا این قدر طول کشید؟» ایلان ماسک بی‌راه نمی‌گفت وقتی نوشت این رسانه‌ها «فقط یک مشت آدم افراطی دیوانه‌اند که با خرج ۱ میلیارد دلار از پول مالیات‌دهندگان آمریکائی، برای خودشان صحبت می‌کنند.» البته، متأسفانه آن‌ها فقط برای خودشان صحبت نمی‌کردند و چیزی که آن‌ها را «افراطی» و «دیوانه» می‌کرد، این بود که کاملاً مطابق با ستندردهای آمریکائی بودند!

اما عقل سلیم در سیاست امریکا کمیاب است. به جای استقبال از این حرکت که هزینه یک پارک ژوراسیک رسانه‌ئی از دوران جنگ سرد را از دوش مالیات‌دهندگان امریکائی برمی‌دارد، موجی از سوگواری شکل گرفته است. مدیر «صدای امریکا»، مایکل آبراموویتز، در وداعی تأثیرگذار با رسانه خود، گفت: «VOA آزادی و دموکراسی را در سراسر جهان با بازگویی داستان امریکا و ارائه اخبار و اطلاعات بی‌طرفانه و متوازن—به‌ویژه برای کسانی که تحت ستم زندگی می‌کنند—ترویج می‌دهد.» برای استیو کاپوس، رئیس RFE/RL، «لغو توافق مالی رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی، یک هدیه بزرگ برای دشمنان امریکا خواهد بود.»

اوه، این صدای آشنای دهه ۱۹۵۰! گوئی دوک الینگتون و ارکستر بزرگش بازگشته‌اند تا همراه با جوزف مک‌کارتی، حال و هوای آن دوران را زنده کنند.

نکته جالب این که، آبراموویتز اشاره‌ای به کسانی که تحت محاصره نسل‌کشی اسرائیل آپارتایدی زندگی می‌کنند، نکرد. به نظر می‌رسد «بی‌طرفی» و «تعالی» در VOA همان قدر واقعی بود که «دموکراسی» و «آزادی» در امریکا. رئیس پیشین امور مالی USAGM، گرانت ترنر—بله، این نام واقعی اوست، شوخی نمی‌کنم—این اقدام را «شنبه خونین» نامیده است.

البته، طبیعی است که مهره‌های ارشد یک دستگاه تبلیغاتی از نابودی آن یا پایان ناگهانی (و شایسته) دوران حرفه‌ئی‌شان خوشحال نشوند. اما آبراموویتز، کاپوس، و ترنر تنها نیستند NBC، باشگاه ملی مطبوعات، و انجمن پخش بین‌المللی نیز به جمع معترضان به این اقدام ترمپ پیوسته‌اند.

وزیر خارجه جمهوری چک، یان لیپاوسکی، حتی پیشنهاد کرده که اتحادیه اروپا RFE/RL را حفظ کند. اروپائی‌ها هر ایده بدی را که واشنگتن کنار می‌گذارد—از رسانه‌های تبلیغاتی دوران جنگ سرد گرفته تا جنگ نیابتی پرهزینه و خونین علیه روسیه—به سرعت در آغوش می‌کشند.

امیدوارم موفق نشوند. وقت آن است که این دستگاه‌های ضداطلاعات نابود شوند. آنها هرگز از آسیب زدن گسترده دست نکشیده‌اند؛ خواه از طریق جنگ افروزی یا پشتیبانی جنگ اطلاعاتی برای تغییر رژیم تحت پوشش انقلاب‌های رنگی. «ایوان کاجانوفسکی»، مرجع برجسته تحقیقات در مورد کشتار ساختگی میدان در فیروزی ۲۰۱۴ کییف، اخیراً نوشته است که چگونه این رسانه‌ها با حذف مدارک ویدیویی ناخوشایند و سپس نادیده گرفتن «تأیید ضمنی» یک دادگاه اوکراینی مبنی بر این که این کشتار عملیاتی ناسیونالیستی، راست افراطی و طرفدار غرب بود، آن را «پوشاندند و تحریف کردند»

ترمیپستها «آدمهای خوبی» نیستند. آنها به اندازه پیشینیان بایدنیستی‌شان به دروغ و سانسور معتقدند. از فلسطینیها و حامیان آزاردیده‌شان یا یمنی‌ها یا ونزولائی‌ها بپرسید. اما دنیا به دروغ پردازیهای پرخرج بیشتر نیازی ندارد. و اگر جناح‌های امریکائی حالا به جان پروپاگاندای یک دیگر افتاده‌اند، این منظره هم تلخ است و هم خنده دار.

[۱۸ مارچ ۲۰۲۵](#)

\*- تاریخ‌نگاری اهل المان که در دانشگاه کوچ استانبول درباره روسیه، اوکراین، اروپای شرقی، تاریخ جنگ جهانی دوم، جنگ سرد فرهنگی و سیاست‌های حافظه تحقیق می‌کند.